

فلاخان ۱



افسانه‌های توانمندسازی زنان

رفیعه ذکریا

مترجم: بدون نام

فلاخن

شماره ۸۷

افسانه‌های

توانمندسازی زنان

رفیعه دکریا

مترجم: بدون نام

منابع

با کمتر از صد دلار می‌توانید زنی را در هند توانمند سازید. به گفته‌ی وبسایت سازمان «شرکای هند»^۱ با این مبلغ قابل پرداخت می‌توان برای یک زن چرخ خیاطی‌ای تهیه کرد که از آن خودش باشد و به او کمک کند تا اولین قدم را در مسیر توانمندسازی بردارد.

یا می‌توانید برایشان مرغ و خروس بفرستید. به گفته‌ی ملینا گیت^۲ پرورش ماکیان با فراهم کردن این موقعیت برای زنان که شان و منزلت یافته و کنترل [زندگی خود] را به دست بگیرند، آنها را توانمند می‌سازد.

اگر به نظرتان مرغ و خروس انتخاب مناسبی نیست، بنیاد خیریه‌ی «هایفر اینترنشنال»^۳ با ۳۹۰ دلار یک «سبد سرمایه‌گذاری اولیه»، شامل خرگوش، تخم ماهی و کرم ابریشم، برای زنی در آفریقا می‌فرستد. فرض پشت تمامی این اعانه‌ها یک چیز است: توانمندسازی زنان مسئله‌ای اقتصادی است، که می‌تواند از سیاست جدا باشد. و به دنبال آن، این مسئله‌ی اقتصادی را می‌توان از طریق داوطلبان غربی اهداکننده‌ی پول، که خرج چرخ خیاطی یا مرغ و خروس را می‌دهند، حل کرد. و نتیجتاً زنان هندی (یا کنیایی، یا موزامبیکی، یا هر جای دیگری که به نام جهان جنوب شناخته می‌شود) را از شر زندگی سرشار از نیاز و

1- India Partners

2- Melinda Gates

3- Heifer International

غیرتوانمندشان رها کنید.

توانمندسازی همیشه به معنی [اهدای] ابزار اولیه‌ی کارآفرینی نبوده است. همانطور که نیمی گوریناتان،^۴ کت کرونین-فورمن^۵ و من اخیرن در گزارشی اشاره کرده‌ایم، این عبارت در اواسط دهه‌ی هشتاد میلادی توسط فمینیست‌های جهان جنوب به دایره‌ی لغات [مبحث] توسعه وارد شده. این زنان «توانمندسازی» را به مثابه امری [مربوط به] «دگرگون‌سازی قیومیت جنسیتی»، درهم‌شکستن «دیگر ساختارهای سرکوب‌گر» و «بسیج سیاسی» جمعی می‌فهمیدند و با تبیین «برنامه‌ای برای توانمندسازی زنان» در چهارمین کنفرانس جهانی زنان در سال ۱۹۹۵، به بخشی از خواسته‌های خود دست پیدا کردند.

گرچه در طول ۲۲ سال پس از برگزاری این کنفرانس، «توانمندسازی» اصطلاح مد روز متخصصین غربی توسعه بوده، اما بخش حیاتی مربوط به «بسیج سیاسی» [از این مفهوم] حذف شده است. به جای آن تعریف رقیق و تضعیف‌شده‌ای نشسته که به میانجی برنامه‌ریزی‌های فنی و با هدف بهبود وضعیت آموزشی یا بهداشتی بیان می‌شود و توجه چندانی به مبارزات گسترده برای برابری جنسیتی ندارد. «توانمندسازی» سیاست‌زدایی‌شده به کار هرکسی می‌آید، جز زنانی که قرار بوده به آنها کمک کند.

با خیرات مرغ و خروس یا چرخ خیاطی، فمینیست‌های غربی و سازمان‌های توسعه می‌توانند زنان غیرغربی‌ای را نشان دهند که «توانمند» کرده‌اند. می‌توانند سوژه‌های غیرغربی تلاش‌هایشان را در کنفرانس‌ها به نمایش بگذارند و در وبسایت‌هایشان به تصویر بکشند. متخصصان توسعه می‌توانند جلسات آموزشی، کارگاه‌ها و جدول‌های پر شده از [اسامی] «افراد قابل رها کردن» را به عنوان سند و مدرکی بر یک پروژه‌ی توانمندسازی موفق دیگر، رو کنند.

این سیستم جای زیادی برای پیچیدگی‌ها و دشواری‌های دریافت‌کنندگان ندارد. زنان غیرغربی به سوژه‌های ساکت و منفعلی بدل می‌شوند که در انتظار نجاتند.

برای مثال پروژه‌های پرورش ماکیان بنیاد گیتس^۶ را در نظر بگیرید. بیل گیتس اصرار داشت که مرغ و خروس، چون حیوانات کوچکی هستند که در خانه نگهداری می‌شوند، مشخص برای «توانمندسازی» زنان مناسبند. ولی محققین هیچ سندی دال بر این موضوع پیدا نکرده‌اند که بذل و بخشش مرغ و خروس [حتی] به سود اقتصادی بلندمدت بیانجامد، چه رسد به رهایی یا برابری برای نیمی از جمعیت.

4- Nimmi Gowrinathan

5- Kate Cronin-Furman

6- Gates Foundation

به منظور ادامه یافتن [جریان] پول، صنعت توسعه یاد گرفته معیارهایی خلق کند که نشان‌دهنده‌ی بهبود [وضعیت] و موفقیت باشند. برای مثال، تمرکز آمار و ارقام «آژانس ایالات متحده آمریکا برای توسعه‌ی بین‌المللی»^۷ در مورد افغانستان، معمولن روی دخترانی است که در مدرسه «ثبت نام» شده‌اند، حتی اگر به ندرت در کلاس‌های درس حضور یافته یا فارغ‌التحصیل شوند. گروه‌های مبلغ نگهداری از ماکیان تاثیر کوتاه‌مدت مرغ و خروس و افزایش لحظه‌ای درآمد خانوار را می‌سنجند، نه تغییرات بلندمدت و پایدار زندگی زنان را.

در چنین مواردی، این حقیقت انکارشده نهفته است که بدون تغییر سیاسی، ساختارهای تبعیض علیه زنان را نمی‌توان [به این شیوه] برچید و هر شکلی از پیشرفت حاصله، ناپایدار خواهد بود. اعداد هرگز دروغ نمی‌گویند، اما [چیزی] را حذف می‌کنند.

در بعضی موارد سازمان‌ها به واقع زنان را به نفع روایات خود محو می‌کنند. یکی از همکاران من به نقل از کارمند یک گروه مبارزه با قاچاق انسان در کامبوج می‌گفت که یک سازمان خیریه‌ی غربی برای جمع‌آوری پول، ویدیویی تهیه می‌کرده و با حضور یکی از زنان در این ویدیو مخالفت شده بوده، به این دلیل که این زن با تصویر مورد پسند زن جوان و مستاصل نجات‌یافته از [باندهای] قاچاق انسان همخوانی نداشته است.

بعض حذف زنانی غیرغربی که پیشاپیش هویت سیاسی پررنگی دارند، ضروری است، حتی اگر این حذف به معنای بازگرداندن آنان به همان نقش‌هایی باشد که توانمندسازی قرار بوده از آن نقش‌ها برهاندشان. در سریلانکا یکی از رزمندگان سابق ببرهای آزادیبخش تامیل ایلم^۸ به یکی از همکاران من گفته بود که به او و چند نفر دیگر از رزمندگان سابق [این گروه شبه‌نظامی] پیشنهاد شده که در کلاس‌های تزئین کیک، آرایشگری و خیاطی شرکت کنند. یک مقام دولتی (زن) معترف شده است که علی‌رغم برگزاری دوره‌های آموزشی در طول سال‌های متمادی، هرگز زنی را ندیده که خرج زندگی‌اش را از طریق این مهارت‌های آموزش داده‌شده دربیآورد.

زمان آن رسیده که بحث «توانمندسازی» تغییر کند. مبنای سنجش برنامه‌های سازمان‌های توسعه باید این باشد که آیا این مکان را به زنان می‌دهند تا بالقوگی خود برای بسیج سیاسی، به نحوی که برابری جنسیتی پایدار ایجاد کنند، را افزایش دهند یا خیر.

7- U.S.A.I.D

8- Liberation Tigers of Tamil Eelam

در صحنه‌ی جهانی، بازگشت به این مدل اصلی توانمندسازی نیازمند پایان بخشیدن به فروکاهی زنان غیرغربی به موقعیت قربانی (نجات‌یافته از تجاوز، بیوه‌ی جنگ، کودک-عروس) است. باید این ایده که اهداف و برنامه‌های توسعه غیرسیاسی باشند را به دور انداخت.

مفهوم توانمندسازی زنان نیازمند نجات بی‌درنگ و فوری آن از چنگال کسانی است که می‌خواهند در صنعت توسعه نقش ناجی داشته باشند. در بطن توانمندسازی زنان خواست خواهرانگی جهانی قدرتمندتری نهفته است، خواهرانگی‌ای که در آن هیچ زنی به [مقام] انفعال و سکوت تنزل داده نشده و انتخاب‌هایش به چرخ خیاطی و مرغ و خروس محدود نمی‌شود.

منبع: نیویورک تایمز

منڙپوڻ
Manjanigh

